

نصرالله صالحی

تازگی به دست عثمانی تصرف شده بود تأکید کرد. شیخ الاسلام این مأموریت را به نعمان افندی محول ساخت. وی در صفر ۱۱۳۹ ق روانه تبریز شد و تا سال ۱۱۴۸ ق در این شهر ماند. در طول این سال‌ها در اثر تحمل سختی‌های زیاد دچار بیماری شد، به این دلیل از مقام خود استعفا داد و راهی استانبول شد. بعد از بازگشت، در ۱۱۵۱ ق به عنوان قاضی عسکر، روانه شهر کفه (تئودوسیا) واقع در قریم (کریمه) شد. حدود دو سال و نیم در این شهر ماند و بعد از بازگشت به عنوان ملای مناطق سرحدی، در معیت هیأتی به سرپرستی الحاج محمد پاشا که بعد از امضای معاهده صلح بلگراد میان روسیه، اتریش و عثمانی برای تعیین حدود مرزی جدید عازم مناطق سرحدی تونا (Tuna) بود، روانه آن مناطق شد. وی بعد از پایان این مأموریت، در ۱۱۵۴ ق به استانبول بازگشت و بعد از تصدی مسئولیت‌های مختلف، در ۱۱۵۵ ق به عنوان مدرس مدرسه کشفی عثمان افندی تعیین شد. وی از سال ۱۱۵۶ ق به بعد نیز بارها عهده‌دار مسئولیت‌های مختلف شد و از جمله به عنوان قاضی عسکر همراه هیأت سفارت عثمانی عازم ایران شد.^۲

در پی عقد پیمان صلح کردان در شعبان ۱۱۵۹ میان ۲. مطلب حاضر خلاصه‌ای از مدخل «نعمان افندی» است که از سوی علی ابراهیم ساواش برای سایت مورخان عثمانی به نگارش درآمده است. مدخل یادشده در این سایت قابل دسترس است: www.ottomanhistorians.com ساواش در مقدمه کتاب تدبیرات پسندیده نیز به تفصیل به زندگی و آثار نعمان افندی پرداخته است. از این مقدمه نیز بهره برده‌ایم.

در این شماره به یکی دیگر از نویسندگان عثمانی می‌پردازیم که آثاری در رابطه با ایران دوره افشاریه از خود به جا گذاشته است. این شخصیت یکی از دولتمردان مهم عثمانی به کنیه ابوسهل نعمان افندی است. اگرچه تاریخ دقیق تولد او مشخص نیست، ولی به احتمال قوی در اوایل سده دوازدهم به دنیا آمد. محمد طاهر لقب او را صالح‌زاده نوشته، اما وی از خود تنها با نام ابوسهل یاد کرده است. تنها منبع آگاهی ما از زندگی او، کتاب تدبیرات پسندیده اوست. وی در مقدمه این اثر به زندگی و آثارش پرداخته است.

نعمان افندی در پانزده سالگی از زادگاهش راهی سیواس شد. مقدمات تحصیل را در این شهر طی کرد. سپس به دیاربکر رفت و به فراگیری فقه، کلام و دیگر علوم پرداخت. سرانجام در ۱۱۳۸ ق عازم استانبول شد. در این شهر به محضر شیخ الاسلام وقت، ینی‌شهرلی فاضل عبدالله افندی، رسید. وی با آگاهی از علم و دانش نعمان، ضمن پیشنهاد سمت «ملازم» به او، از وی خواست تا در استانبول اقامت گزیند و به تدریس بپردازد. نعمان این پیشنهاد را نپذیرفت و راهی دیاربکر شد. در این اثنا، سرعسکر عثمانی، حکیم باشی‌زاده علی پاشا، با ارسال نامه‌هایی به شیخ الاسلام استانبول بر ضرورت اعزام عالمی مفتی به تبریز که به

۱. بروسلی محمدطاهر، عثمانلی مؤلفری، ج ۳، ص ۱۵۵.

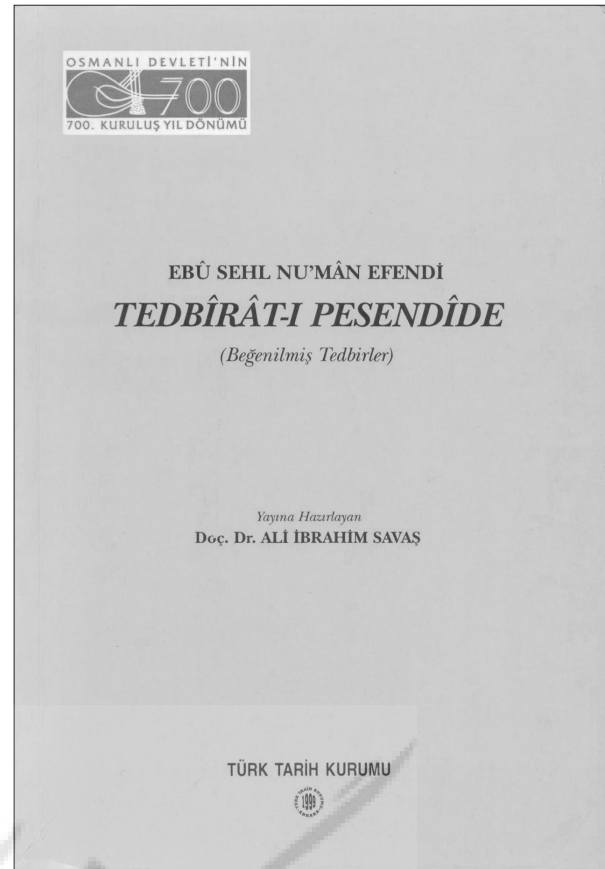
همراه او عبارت بودند از: رجب پاشا، حاکم ولایت بورسا (سفیر دوم)، مصطفی بیگ از خواجگان دیوان (مستوفی دیوان)، ابوسهل نعمان افندی به عنوان قاضی اردو، رحمی افندی کریملی (کریمه‌ای) شاعر معروف آن عصر به عنوان واقعه‌نویس و منشی، و عبدالرحمان بیگ (پیشکار سفیر) و شمار زیادی از درباریان و دیوانیان.^۵ از میان این افراد دو تن اقدام به نوشتن شرح سفارت هیأت عثمانی کردند. یکی رحمی افندی (رحمی تاتار) و دیگری نعمان افندی. سفارتنامه رحمی تاتار خوشبختانه سال‌ها پیش از سوی مرحوم محمدامین ریاحی به فارسی ترجمه و منتشر شده است،^۶ اما سفارتنامه نعمان افندی تحت عنوان تدبیرات پسندیده برای محققان ایرانی همچنان ناشناخته باقی مانده است.^۷ در اینجا به برخی از آثار او که در پیوند با تاریخ ایران است اشاره می‌شود.

۲۹. تدبیرات پسندیده

نعمان افندی در تدبیرات پسندیده^۸ بعد از حمد و ثنا، به شرح مبسوط زندگانی خود پرداخته (الف-۸ب) و سپس آگاهی مختصری درباره سه مقاله اصلی کتاب آورده است. کتاب نسبت به سفارتنامه رحمی تاتار به نثری ساده و روان به رشته تحریر درآمده است. بعد از مقدمه، مقاله اول کتاب (الف-۸الف-۲۵)، که مربوط به انتخاب نویسنده به قاضی عسکری کریمه (۱۱۵۰ق/۱۷۳۷م) و حرکت به آن منطقه و رویدادهای مربوط به آنجاست، آورده شده است. در این بخش به وضع نابسامان اداری کریمه، اشغال مناصب به وسیله افراد نالایق و مشکلاتی که از این راه بروز کرده، اشاره می‌کند. نعمان برای حل مشکلات ابتدا از معضل سخن گفته و سپس به بیان «تدبیر» پرداخته است. مقاله دوم کتاب (الف-۲۵الف-۸۵)، مربوط می‌شود به معاهده

۵. ریاحی، سفارتنامه‌های ایران، ص ۱۹۸-۱۹۹.
۶. متن این سفارتنامه با عنوان «سفارتنامه رحمی تاتار» به فارسی ترجمه و منتشر شده است. نگاه کنید به: ریاحی، سفارتنامه‌های ایران، ص ۲۰۵-۲۴۲.
۷. مرحوم ریاحی در صفحه ۲۰۰ به اثر مذکور تنها یک بار اشاره کرده است.
۸. این اثر از سوی علی ابراهیم ساوش تصحیح و بدون حتی یک برگ تصویر نسخه خطی و تنها با آوانگاری لاتین به چاپ رسیده است. لازم است از دوست و همکاری گرامی جناب آقای حسن اسدی که متن خطی این اثر را به خواش نگارنده از ترکیه تهیه و در اختیار قرار دادند سپاسگزاری نمایم. مشخصات چاپ لاتین چنین است:

Ebû sehl Nu'mân Efendi, *Tedbîrât-i Pesendide*, haz. Ali İbrahim Savaş, Türk Tarih Kurumu Basimevi, Ankara 1999.



ایران و عثمانی، مصطفی نظیف افندی به همراه هیأتی در ۱۸ شعبان ۱۱۵۹ از لشکرگاه نادر خارج شد، در ۲۰ رمضان صلحنامه^۱ را در بغداد به مهر و تصدیق احمدپاشا والی بغداد رسانید^۲ و راه استانبول را در پیش گرفت. او از همان میانه راه، از بغداد به استانبول گزارش داده بود که نادرشاه برای برقراری حسن رابطه با سلطان عثمانی، مصطفی خان شاملورا به عنوان سفیر به استانبول اعزام خواهد کرد.^۳ دولت عثمانی هم تصمیم گرفت متقابلاً سفیری به ایران بفرستد که هم نسخه تصدیق شده صلحنامه را به نادرشاه تسلیم دارد، و هم هدایای شایسته‌ای را تقدیم نادرشاه کند. برای این مأموریت احمد کسریه‌لی که از خواجگان دیوان بود به عنوان سفیر برگزیده شد و گروه کثیری نیز به عنوان همراهان انتخاب شدند.^۴ تعدادی از شخصیت‌های مهم

۱. برای آگاهی از صورت صلحنامه، ر.ک: استرآبادی، جهانگشای نادری، ص ۴۱۵-۴۱۹.

۲. درباره مأموریت مصطفی نظیف افندی، ر.ک: استرآبادی، همان، ص ۴۱۴.

۳. درباره مأموریت مصطفی خان شاملو، ر.ک: استرآبادی، همان، ص ۴۱۵.

۴. استرآبادی، همان، ص ۴۱۵.

بوسولا قدر دون قورقدی کرش قرقم و کرک حمدود و کرکند بود کراوانان سولانه نیکه
چل خاطره غنم سارید، الله عظیم الشان هر بزرگ سلامت و برود و برود و برود و برود
اولا زین برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده
بخار سالار دجال دولت بر زمان هم آدمی و فو تو سول کرکند بر زمان که برده و برده و برده
نیاز اولیکه ای دین ایمنه مدینه برکی خصاصه و شایسته است که برده و برده و برده
آمد و حتی بجز مملکت و هر که برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده
معدداً لایحه و نامه های ترسانه عاصه ایسی کین و وزیر کفالتی او و برده و برده و برده
اولوب برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده
غضوب حقیق سید اوله کند و با شمه نیاید برده و برده و برده و برده و برده و برده
بش ای سوزن بریکه خدمت نیاید و شمه و شمه و شمه و شمه و شمه و شمه و شمه و شمه
المقالة الثالثة بکیروز الی المشرق سنة سی برکی حکمک سیدک نیاید و برده و برده و برده
برکود بر زمانه و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده
بوضیحه کلین قورق و اوله و اوله و اوله و اوله و اوله و اوله و اوله و اوله و اوله
و زمانه عایشا هم و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده
سعادت کلک مساره عایشا برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده
دختر برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده
و کین کین سیدیا اوله و شایسته است که برده و برده و برده و برده و برده و برده
دائماً بر سولان و شایسته است که برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده
براهن بر قریح غنم و شایسته است که برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده و برده

صفحه‌ای از تدبیرات پسندیده

برخی عناوین مطالب مقاله سوم از این قرار است: مقدمه، حرکت از آستانه علیّه، اماره مقدمه اکثر حوادث، حادثه، حرکت از بغداد بهشت آباد، تدبیر، حادثه قبیحه، تدبیر، حادثه، تدبیر، حادثه، تدبیر، ...^۳ و وصول به کرمانشاه، حادثه، تدبیر، ... فذلکه، تدبیر، تبصره، تنبیه، حرکت از همدان، حرکت از سنه (سنندج)، اجمال حال سلیم خان، وفات احمد پاشا والی بغداد، تدبیر، حرکت از بغداد، تبصره، خاتمه.

تدبیرات پسندیده همانند سفارتنامه رحمی تاتار از جهات متعدد دارای اهمیت است. نخست اینکه به جز سفارتنامه یادشده، گزارش مبسوط دیگری با قلم و نگاه نویسنده دیگری در اختیار می‌گردد. لذا می‌توان از یک برهه و رویدادهای مشخص و معین تاریخی دو گزارش متفاوت در اختیار داشت و به مقایسه آنها پرداخت. از

۳. بیشتر عنوان‌های اثر به صورت «حادثه» - «تدبیر»، «حادثه» - «تدبیر» تنظیم شده است.

صلح بلغراد (۱۱۵۲/ق ۱۷۳۹م) و اعزاز هیأتی برای تعیین حدود مرزی جدید میان روسیه، اتریش و عثمانی. نویسنده در این بخش، از رئیس هیأت عثمانی، الحاج محمد افندی، که به جهت قناعت‌ورزی از مترجمان و مهندسان خود بهره نبرده و به مهندسان و مترجمان اتریشی اکتفا کرده، انتقاد نموده است. دو مقاله نخست این اثر به صورت مستقل از سوی محقق اتریشی، اریک پروکوش، به زبان آلمانی ترجمه و منتشر شده است.^۱ دیگر محقق اتریشی، هامر پورگشتال، در برخی از آثار خود از دو مقاله نخست بسیار استفاده کرده است.^۲

نویسنده در سومین و آخرین مقاله کتاب که دارای حجم بیشتری است (۸۵ الف - ۱۶۱ الف)، به تفصیل به جریان سفارت ایران (۱۱۶۰/ق ۱۷۴۷م) پرداخته است. در مقدمه این بخش از معاهده صلح میان نادرشاه و سلطان عثمانی (۱۱۵۹/ق ۱۷۴۶م) و از نتایج این صلح یعنی مبادله هیأت نمایندگی و ارسال نامه و هدایا از دو طرف سخن گفته است. نعمان برخلاف سفارتنامه رحمی تاتار، شرح مسیر سفر هیأت عثمانی از اسکدار تا حلب را بیان نکرده، بلکه منازل بین راه را از حلب تا بغداد و از آنجا به بعد را همراه با حوادثی که در طول راه اتفاق افتاده را بیان کرده و سپس به چگونگی مبادله دو هیأت ایران و عثمانی در مرز، مجالس ضیافت و مراسم دید و بازدید دو هیأت در مرز پرداخته است. گزارش نعمان با بیان تک تک منازل بین راه در خاک ایران ادامه می‌یابد. وی حوادث و رویدادهای بین راه را به خوبی ثبت و ضبط کرده است. از جمله مسائلی که نعمان افندی به آن پرداخته، واقعه قتل نادر در اثنای سفر هیأت عثمانی در خاک ایران بوده که موجب بلا تکلیفی و سرگردانی آنها شده بود. در بخش پایانی مقاله سوم، شرح چگونگی بازگشت هیأت نمایندگی عثمانی از خاک ایران تا بغداد را منزل به منزل بازگو کرده است. همچنین در خاتمه به درگذشت والی بغداد، احمد پاشا، و بروز اختلال در وضع امور اشاره کرده و بعد به چگونگی بازگشت خود به استانبول و تصدی مقام ریاست مدرسی در آنجا پرداخته است.

1. Erich Prokosch, *Molla und Diplomat*, Graz, 1972.

۲. مقدمه ساواش بر تدبیرات پسندیده، ص ۱۱.

طرف دیگر، کاروان سفارت عثمانی درست زمانی وارد ایران شده بود که نادرشاه به قتل رسیده و به اصطلاح عامه، «شاه میری» و به تعبیر مجمل التواریخ گلستانه «شاهگردشی» بوده^۱ و لذا سراسر ایران در ناامنی و بلا تکلیفی به سر می برده است. نویسنده به دقت اوضاع و احوال ایران را زیر نظر گرفته و در اثر خود منعکس کرده است. مقاله سوم تدبیرات پسندیده با وجود ارزش و اهمیتی که برای تاریخ ایران دوره افشاریه دارد برخلاف دو مقاله نخست آن که به زبان آلمانی ترجمه شده، نه تنها هنوز به فارسی ترجمه نشده که شناخته نیز نشده است.

۳۰. صحت نامه

نعمان افندی در سال‌هایی که در تبریز مفتی بود (۱۱۳۹-۱۱۴۸ق)، به دلیل ابتلا به بیماری، دشواری‌های زیادی را تحمل کرد. وی داستان این سختی‌ها را در اثری به نام صحت‌نامه به رشته تحریر در آورده است.^۲

۳۱. آثار دیگر

آثار دیگر نعمان افندی بیشتر در دو زمینه است: یکی اعتقادات مذهبی که به نوعی با تحصیل و تدریس او مربوط بوده و دیگر آثار مربوط به تحدید حدود عثمانی که مربوط به مأموریت‌های او می شده است. در زمینه نخست، چند کتاب به رشته تحریر در آورده است. از جمله: اثبات الحقوق من مذاهب الائمة ذوی الوثوق و موارد جمیع المذاهب لیسان منبع المطالب. در اثر نخست به دفاع از مذهب اهل سنت پرداخته است. وی در صفحه‌هایی از مقدمه کتاب و نیز آغاز مقاله سوم گاه متعرض مذهب شیعه شده است. در زمینه دوم باید به دو کتاب دستیار تحدید الحدود و تبیین اعمال المساحة اشاره کرد.^۳

منابع

استرآبادی، میرزا مهدی خان، جهانگشای نادری، به اهتمام عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷ق.

اغرب غرابی حیدرث نادید و مردانه واقعه اولان مکالمات ناشنیده و صنایع جدید عید و تدبیرات پسندیده بیاننده در مقاله نادرشاه کرمانیله واقعه اولان مصالحه مختار سنده دولت علیه ابدیدن جوزلیجیلک شاه مرقومه بصورت اولان والی سراسر احمد پاشا معینی ایله سرحد و اولان سومیل نام حمله شامر قورمچیلر ایله مبارله اولونوب نادر بغداده و نزل و سرت ابراند واقع همدانه وارد و دخول و شاه مرقومک هلاک خبری اول حوانیه وصول بولوب مقته انسلط و غلبه یئدی کی ممالکدن رهز اولون اوزره تورب ممالک اراضا ساکن ایلدی کی قاجر او زبک و افغان و سائر طوایف مختلفه عسکر جمله یولور بندت حرکت و بیجان داهالی همان دخی علیان برده نادر شاهان دولت علیه عثمانیه ارسال ایلدی کی هدا یا مکتور ما ییدر و ایلیاری و بیعتدن اولان یوقدر عسکر مکتور ایلریدر نادر بغداد در مکت و حبس و قتل نزلدر بو ایلیاری و ادملری خلیج ایلیاری و ازمیر نیر برینه و هدا یا لری هدا یا لری ایتمولم ایلر تلماکله که همدانک چهار سه لم و ذخیره لری نادر ایله و بر لم تدر شو قور لسه و چقوب کیدر لسه بخاریه و مافغانیه لم و موسورت و همدان حضاة سندن آت و حروب و مهمات اخراج و جمله لره توزیع و قبوله و کجه لرا لرا ندر کجیلر وضع و اولوقدن مقدججه حوزده پوز یلان نادر قیامت عیاشیم سر عسکر کی برهم خانک باشنده اولان طوایف عسکر تیر بلر ایلدی که خنزق و کند و سیادر شاهلته خرفدن بختیاره قرار و تخصص ایتمش و لغتله نادر شاه مرقومده لری خان مرقومک هلاکدن و نزلدن یوقدر هدا یا ایلد

صفحه‌ای از تدبیرات پسندیده

ریاحی، محمدامین، سفارتنامه‌های ایران (گزارش‌های مسافرت و مأموریت سفیران عثمانی در ایران)، تهران: توس، ۱۳۶۸ش.
بروسه‌لی محمد طاهر، عثمانلی مؤلفلری، استانبول: مطبعة عامره، ۱۳۴۲ق.

Süleyman, Toğoç, *Kırımlı Mustafa Rahmi Efendi'nin İran Sefaretnamesi*, Ankara Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Yüksek Lisans Tezi, Ankara, 2000.
Erich, Prokosch, *Molla und Diplomat*, Graz, 1992.
Ebû sehl Nu'mân Efendi, *Tedbîrât-i Pesendide*, haz. Ali İbrahim Savaş, Türk Tarih Kurumu Basimevi, Ankara, 1999.
www.ottomanhistorians.com

۱. ر.ک: ریاحی، سفارتنامه‌های ایران، ص ۲۰۱.
۲. این اثر منظوم همراه با نسخه اثر رشید افندی در کتابخانه ملت استانبول موجود است. ر.ک: مقدمه ساواش بر تدبیرات پسندیده، زینویس ص X.
۳. بروسه‌لی محمد طاهر، عثمانلی مؤلفلری، ج ۳، ص ۱۵۵.